



۲۰۱۳/۰۷/۱۷



دوکتور محمد اکبر یوسفی

چهل سال از سلطنت چهل ساله «مودرنیزم» گذشت!

چهل سال قبل از امروز، درست بتاریخ ۱۷ جولای ۱۹۷۳م، رژیم سلطنتی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، سقوط داده شد. اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، که قریب چهل سال، پس از شهادت، اعلیحضرت محمد نادرشاه پدر ایشان، زمام امور کشور را بعهدہ داشتند، در نتیجۀ «کودتای سفید»، یا کودتای بدون خونریزی، تحت رهبری پسر کاکا و شوهر خواهر ایشان، سردار محمد داوود خان سقوط داده شد. قدرتمند جدید این «خاندان»، بجای «پادشاهی افغانستان»، رژیم «جمهوری» را اعلان داشت.

مجله معروف آلمانی، «شپیگل»، در شماره ۳۰ سال ۱۹۷۳م، تاریخ ۱۹۷۳/۰۷/۲۳ در صفحۀ «اختصاصی» آن



Gestürzter König Sahir, Putschführer Daud: Draht nach Moskau

در باره افغانستان و تغییر رژیم سیاسی در افغانستان، قریب یک هفته بعد از وقوع حادثه، با نشر عکس های ذیل، در یک جملۀ مختصر، هیئت تحریر چنین نوشته است: «کشور انکشاف نیافته در هندوکش جمهوری شد. رهبر کودتا داوود، از متحدین کریمین و مخالف چین شناخته می شود.»

برای نسل جوان، چند سطر از محتوای خبر درین مجله، رونویس می گردد: در سطور اول گزارش این مجله می خوانیم:

« خبر را که، دیگر پادشاه نیست، برای پادشاه در لوش رسانیدند. در استراحتگاه جزیره «ایشیا» (در ایتالیا)، سه شنبه گذشته، محافظین به صاحب آنها، محمد ظاهر شاه، ۵۸ ساله – از چهل سال به اینطرف پادشاه افغانستان – در حمام «فنگو» خبر دادند، که در وطن، کابل، پسر کاکای شاهانه، محمد داوود خان، ۶۴ ساله، از غیابت پادشاه استفاده نموده، تا پادشاهی را سقوط داده، جمهوری اعلان و قدرت را در کشور بدست گیرد، که بر اساس احصائیه های «یونسکو» و «بانک جهانی»، در جملۀ ۱۰ کشور فقیر ترین جهان شامل می باشد.»

مجله به ادامه می نویسد که در کشور «افغانستان کم آب» و پوشیده با سلسله کوه ها و دره های پپیچیده، که قریب همه فاقد «گیاه» و سیزه بنظر می رسد، دارای مساحت «دو نیم برابر» جمهوری اتحادی آلمان می باشد. نفوس بین «۱۲ تا ۱۸» میلیون تذکار یافته است. اوسط «عاید سرانه سالانه ۱۵۰ مارک» (غرب) تخمین گردیده، «نفوس شماری درین کشور» تا آزمان «هیچگاه» انجام نیافته است.

همین مجله، «قریب نیم» نفوس کشور را «کوچی» یاد نموده است. بر اساس ارزیابی این منبع «در بهترین سال های اقلیم» حیوان و انسان درین کشور، «در سرحد هستی» بسر می برند. ضمن آنکه از موجودیت «۷۰۰ داکتر طب» نام می برد، «۹۰ فیصد» افغان ها را محروم از «نعمت سواد» خواندن و نوشتن شمرده است. نفوذ و قدرت «فیودالان و ملا های اسلامی» را درین کشور، «شکست ناپذیر» ارزیابی نموده، می نویسد: «حفظ الصحه و تعلیم مکتب را، «دستگاه شیطنانی» می دانند.

در باره «رهبر کودتا» می نویسد: « رهبر کودتا داوود، از نگاه تولد، پسر کاکا و از طریق ازدواج، شوهر خواهر پادشاه می باشد، می خواهد افغانستان را به سیاست قدرت برگرداند. جنرال، که در سال ۱۹۳۹م، بحیث امر اردو از سلطنت در برابر یک قیام، اقوام ضد سلطنت دفاع نمود، از جملۀ کمترین مهمانان غربی محسوب می گردد، که در مراسم تدفین «ستالین» اشتراک نموده، از جانشین او، «خروسچف»، جهت دیدار از کشورش دعوت بعمل

د پانو شمیره: له ۱تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی دلیکنی بنی پاڼوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

آورد. در سال ۱۹۶۳م، بعد از ده سال در مقام صدراعظم، از «جانب پسر کاکا» اعلیحضرت محمد ظاهر شاه سبکدوش گردید.»

پس از آن، ۱۰ سال را که تا سقوط رژیم در سال ۱۹۷۳م به عنوان «دهه دیموکراسی» یاد می‌نمایند، از دیدگاه صاحب نظران، سال‌های رهبری نسبتاً مستقل «پادشاه»، در مقایسه با دوران «جوانی» ایشان، در راه «دیموکراسی» و «مودرنیزیشن» یاد می‌نمایند.

اینکه این تغییر «رژیم» در تحت چگونه شرایط و اوضاع داخلی و خارجی بوقوع پیوسته است، ایجاب مطالعات و ارزیابی عمیق‌تر می‌نماید. درین سال‌های «بحرانی»، بسی «رساله‌ها»، «کتاب» و «مقالات» بدست نشر سپرده شده است. اکثراً دیده می‌شود، که هر «نویسنده» تا حدی اسناد و «مدارکی» در اختیار داشته است، که می‌توان از آن به عنوان «کتابخانه» شخصی و یا «آرشیف شخصی» نیز دانست. تحلیل و برداشت دقیق‌تر علمی و بررسی تأریخی، زمانی بهتر ممکن خواهد بود، تا در کشور ما صلح و ثبات برقرار گردد و برای این هدف، نخست همه «آثار» و «اسناد» در یک مرکز که برای هر محقق قابل دسترسی باشد، جمع‌آوری گردد. حال بر می‌گردیم، به لحظات چهل سال قبل.

قبل از همه باید تذکر داد، که در حلقه قدرت، در «دودمان» و یا «خاندان» در طی «چهل» سال «سلطنت»، این دو چهره که در عکس می‌بینیم، از «بهترین» شخصیت‌های «رهبری» کشور ما شناخته شده، هر یک از آنها، علاوه از داشتن وجوه «مشترک» فراوان، دارای طرز تفکر و هم‌چنان، خصوصیات و اندیشه‌های خاص خود بوده‌اند. ممکن با شخصیت هر یک از آنها، زمانی بهتر و دقیق‌تر آشنا شویم، در صورتیکه این شخصیت‌ها و سیاست و اجراء آنها را با تفکیک و جدا از «دور و پیش‌شان» در نظر گرفته شود. از جانب دیگر در هر مقطع زمانی، مناسبات و شرایط «عینی» داخلی و خارجی را هم از نظر دور نداریم.

رژیم جمهوری، یک نظام «اداری - سیاسی» را که قریب «چهل» سال در حالت «عدم جنگ»، قدم‌های استوار در محدوده امکانات در همه ساحات حیاتی، بر می‌داشت، سقوط داد. صرف نظر از اینکه این تغییر، بدون خونریزی صورت گرفت و «نیات» انکشاف سریع کشور به شکل وعده اعلان شد، با تأسف که در تحت تأثیر انکشافات داخلی و خارجی، ممکن غیر پیش‌بینی شده، در حقیقت امر، رژیم جدید نتوانست در راه حل مسائل مبرم روز، «تحرك» مشهود براه اندازد، تا اعتماد مردم نسبت به «رژیم» جدید، بطور سریع و عاجل افزایش یافته می‌توانست.

از آنجائیکه کشور ما در یک «بحران» طولانی و عمیق بسر می‌برد، بصورت عموم در چنین مرحله، موضوعات «اینتی»، «مذهبی» و «فرهنگی» و سائر «اختلافات» گروهی برجسته می‌گردد، چنین فضا مانع اظهار نظر مؤثر علمی هم شده می‌تواند، از جانب دیگر ایجاد یک تصویر حقیقی از وضعیت فعلی و هم تاریخ هشت دهه کشور در یک مقاله کوتاه مساعد نیست، بناءً در ختم این مطلب کوتاه، به مناسبت «چهل سالگی» مقطع تأریخی کشور ما، بصراحت اظهار می‌گردد، که علاوه از اینکه سیاست‌های سیستم‌های «یک‌حزبی» و حاکمیت‌های مبتنی بر اصل «طبقاتی» به ناکامی محکوم گردیده است، مفهوم و تعریف «ملت افغان» و «درک» درست از «هوت» و «مشی وحدت ملی» توسط این دو رهبر شهید و فقید کشور، بیشتر از هر یک از جانشینان، در تأریخ کشور ثبت خواهد شد. روح هر دو را درین مناسبت شاد می‌خواهم.

پایان

د یانو شمیره: له ۲تر ۲

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ